

## انگاره امت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

ابوذر گوهری مقدم\*

سید علی لطیفی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۵

### چکیده

بازشناسی کلیدواژگان اساسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) گذرگاهی مهم برای شناخت مطلوب منظومه فکری-سیاسی بنائی که ایشان به صورت حقوقی و نهادی بعد از انقلاب ۱۳۷۵ بنانهاده و از خود به یادگار گذاشته‌اند. «امت» از دانش واژه‌هایی است که درون‌مایه‌ی دینی و صبغه اسلامی داشته و از ادبیات دینی وارد اندیشه سیاسی متفکران اسلامی علی‌الخصوص رهبر کبیر انقلاب اسلامی شده است. تتبع آثار نظری و عملی امام خمینی (ره) حکایت از آن دارد که این واژه ضمن حفظ اصالت دینی خود و با اخذ از خاستگاه قرآنی و روایی‌اش، خود را با تحولات مفهومی روز همچون واژگان ملت و ملی‌گرایی هم‌آوردی نماید و با استفاده از ابزار اجتهاد خود را با مقتضیات زمانی و مکانی در اندیشه امام خمینی (ره) بازتولید نماید. مقاله حاضر می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای، دیدگاه امام خمینی (ره) را در این زمینه گزارش و بررسی کند. با گذر بر ادبیات واژگانی مستعمل از سوی امام خمینی (ره) می‌توان چنین نتیجه گرفت که مفهوم ملت را مفهومی حاشیه‌ای و در ارتباط با مفهوم امت می‌یابیم و ایشان در اکثر اظهارنظرهای خویش ملی‌گرایی به معنای حاکمیت ملت را نفی نکرده‌اند، بلکه قومیت‌گرایی و قبیله‌گرایی و آثار نامطلوب آن را که موجب جدایی و افتراق امت اسلامی می‌شود را مورد نفی و طرد قرار داده‌اند.

**کلیدواژگان:** امت، ملت، ملی‌گرایی، وحدت اسلامی، هویت دینی.

سپهر سیاست

سال دوم

شماره ششم

زمستان ۱۳۹۴

\* نویسنده مسئول: عضو هیئت‌علمی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق

(علیه‌السلام)، تهران، ایران، رایانامه: agohari@gmail.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)،

تهران، ایران

مفهوم امت به عنوان یک اصطلاح قرآنی و دینی در مرکز ثقل اندیشه سیاسی دینی قرار می‌گیرد. این مفهوم که همزمان با دین اسلام رواج یافته است، سابقه‌ای در زبان‌های غربی و گذشته ندارد؛ به عبارت دیگر این مفهوم از مفاهیم اصیل در ادبیات اسلامی است به طوری که در باب اسلامی بودن این واژه لویی گارده اسلام‌شناس معروف فرانسوی می‌نویسد: «امت از ریشه خاص عربی است که در زبان‌های اروپایی نمی‌توان مترادفی برای آن یافت. مخصوصاً امت النبی که احتمالاً از ریشه اصلی امّ به معنی مادر است» (گارده، ۱۳۵۲: ۲۸۶). امت مطلوب جامعه‌ای اسلامی است که دین اسلام از همان آغاز تحقق آن را مدنظر داشته است. در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) نیز امت از امهات اندیشه‌ی ایشان است و از آنجاکه در عصر جدید در کنار مفهوم امت، مفاهیم ملت و ملت‌گرایی قرار گرفته و برجسته شده است، ریشه‌یابی این مفاهیم برای تبیین بهتر امت در عصر حاضر لازم و ضروری است. اصطلاحات امت و ملت در اندیشه امام در مواردی مترادف هم آمده است و در مقابل مقولاتی همچون ملت بزرگ و ملی‌گرایی، در کنار امت اسلامی به کار برده شده است. توضیح این مفاهیم و خاستگاه مفهوم امت، زمانی ضرورت می‌یابد که برخی نویسندگان غربی مراد از این مفهوم را -در اندیشه امام- توسعه‌طلبی دانسته و ایده‌های آرمانی وی را تجاوزطلبانه برداشت کرده‌اند، اما در واقع باید نهضت دینی امام و نگرش‌های آرمانی وی را در چارچوب اهداف انسانی و جهانی اسلام تحلیل کرد که فراتر از ساختار محدود ملی قرار گیرد.

به نظر می‌رسد نگرش امام خمینی مبتنی بر همبستگی میان مسلمانان و بالاتر از آن مستضعفان جهان در عین پذیرش استقلال و موجودیت کشورهای جهان از جمله کشورهای اسلامی است. در این راستا ایشان می‌فرمایند: «جمهوری اسلامی مایل است با همه هم‌جواران و دیگران با صلح و صفا زندگی کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۲۲۸) و یا «امیدواریم صلح جهانی بر پایه استقلال ملت‌ها و عدم مداخله در امور یکدیگر و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورها بنا شود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۸۰) امام در جای دیگری در خصوص پیوند مسلمانان و تبدیل شدن آن‌ها به یک جامعه می‌فرماید: «امت‌ها خودشان باید واحد باشند، مجتمع باشند؛ خودشان را از هم جدا ندانند، مرزها را اسباب جدایی قطب‌ها ندانند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۲۳).



موضوع این مقاله بیش از تبیین نسبت میان امت و ملت در اندیشه امام، به واکاوی این مفهوم و بررسی خاستگاه فکری آن پرداخته است. در این راستا مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی مبتنی بر هرمنوتیک و به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای به تبیین این فرضیه در میان آثار نوشتاری ایشان پرداخته و به دنبال پاسخ بدین سؤال است که خاستگاه‌های شکل‌گیری مفهوم امت در اندیشه امام خمینی (ره) برگرفته از چیست و سؤالاتی چون معنا و مفهوم امت در نگاه ایشان و نسبت آن با ملت به‌عنوان سؤالات فرعی مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجاکه در مورد نسبت امت و ملت و خاستگاه نظری آن در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) بحث جداگانه‌ی صورت نگرفته است؛ اگرچه در ادبیات دینی و آرای اندیشمندان، کتب و مقالات متعدد در این زمینه بحث شده است که در قسمت‌های مختلف مقاله، با بیانی متفاوت به طرح و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود؛ ناگزیر در این راستا به شیوه توصیفی و تحلیلی، نخست با کاوش در منابع اصیل دینی، مفهوم امت و طیف‌های معنایی آن، آن‌گونه که در منابع یادشده بازتاب یافته، بازشناسی می‌شود. سپس با جست‌وجو در آثار منتشره از سخنان و آثار ایشان سعی می‌گردد معنا و نسبت امت و ملت ارائه گشته تا از این رهگذر خاستگاه نظری امت مورد کندوکاو قرار گیرد.

### چارچوب مفهومی

هر اندیشه سیاسی دارای اصطلاحات و تعابیر خاص خویش است. دانش سیاسی اسلام نیز اصطلاحات و مفاهیم خاص خود را دارد و کسی که بخواهد با مراحل گوناگون تحول دانش آشنا شود، ناگزیر باید واژه‌ها و تأویل‌ها را به‌درستی بشناسد و از اشتباه و اختلاط آن‌ها با کلمات بپرهیزد تا به شناخت کامل و مشخصی برسد. از جمله مفاهیم و اصطلاحات نزدیک به هم و مشابه در ادبیات سیاسی، اصطلاح امت و ملت است. لذا لازم است تا به مفهوم‌شناسی این واژگان پرداخته و جایگاه آن را در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) به‌درستی تبیین و آشکار سازیم.

### امت

در قرآن کریم واژه‌ی امت به‌صورت مفرد یا جمع به‌طورکلی ۶۴ بار به‌کاررفته

است (عبدالباقي، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۱۱۳) که در بیشتر موارد به معنای گروهی از انسان‌ها است. قرآن برای رساندن معنای گروهی از انسان‌ها از کلمات متعدد دیگری همچون ناس (۲۴۰ بار) قوم (۳۸۳ بار) قریه (۵۶ بار) و اناس (۵ بار) نیز استفاده کرده است. آنچه از مفهوم امت مدنظر این نوشتار است، لااقل ۵ معنای مختلف در قرآن کریم را شامل می‌شود.

#### امت به معنای مدت و زمانی معین

این واژه در دو آیه از قرآن کریم بدین معنی آمده است. در سوره مبارکه هود آمده است: «و لئن أخرجنا عنهم العذاب إلى أمة معدودة ليقولنَّ ما بحسبه: و اگر عذاب را تا زمانی معین از آنان تأخیر کنیم بی‌شک خواهند گفت چه چیزی آن را بازمی‌دارد» (هود/۸). در سوره مبارکه یوسف آمده است «...و قال الذی نجا منهما و ادَّكر بعد امة: و از آن دو تن کسی که رهایی یافت و پس از مدتی به یاد آورد گفت» (یوسف/۴۵).

#### امت به معنای پیشوا، رهبر و الگو و نمونه

تنها در یک مورد آمده است. خداوند متعال در سوره مبارکه ابراهیم می‌فرماید: «إِنَّ ابراهیم کان أمة قانتا لله حنیفا: ابراهیم پیشوایی فرمان‌بر خدای متعال و یکتاپرست بود» (نحل/۱۲۰). گفته می‌شود در این آیه امت به معنای رهبر و الگو است ولی مرحوم علامه طباطبایی در المیزان معتقدند که امت در این آیه به معنی گروهی از انسان‌ها است که بر این اساس حضرت ابراهیم (ع) که تنها موحد زمان خویش بود به‌منزله یک گروه یا جامعه محسوب می‌گشت.

#### راه و روش و دین و آئین

در دو مورد در سوره زخرف امت بدین معنا است: «أنا وجدنا آباءنا علی امة: ما پدران خویش را بر آئینی یافته‌ایم» (زخرف/۲۳ و ۲۲). در جمله‌ی مذکور، یقیناً «امت» به معنای راه و رسم، شیوه و کیش به‌کاررفته است، چراکه اگر به معنای «گروهی از انسان‌ها» می‌بود حرف «علی» کاملاً زائد می‌شد. قرآن کریم، در موارد دیگری، برای رساندن این معنا، یعنی «آیین»، از لفظ «ملت» نیز سود جسته است (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۹۹).

#### گروهی از جانداران (اعم از انسان و حیوان)

در سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «و ما من دابة فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الا اعم



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

أمثالکم ما فرطنا فی الكتاب من شیء ثمّ إلی ربحم یحشرون: و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه پرنده‌ای که با دو بال خویش پرواز کند مگر اینکه گروه‌های مثل شمایند» (انعام/۳۸). در این آیه، خداوند متعال وجه شباهت و اشتراک بین انسان و حیوانات را نه در کثرات و عدد و نه در انواع نیازهای حیوانی تبیین کرده، بلکه عامل شباهت در امت خواندن حیوانات و انسان‌ها را در قصد واحد خلقتشان یعنی بازگشت به خداوند بیان می‌دارد. امری که از انتهای آیه مبارکه یعنی «ثمّ إلی ربحم یحشرون» دانسته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۷: ۱۰۳).

### گروهی از انسان‌ها

امت در این معنا که مورد قصد ما است ۵۸ بار در سوره‌های مختلف قرآن آمده است. در همه این مفاهیمی که از امت صورت گرفت، هدف و مقصدی واحد مشترک است؛ لذا عنصر محوری در امت، هدف واحد است. از نظر قرآن برای آن که تعدادی از انسان‌ها یک امت و گروه محسوب شوند باید همگی دارای یک جهت مشترک و وحدت باشند و این وحدت می‌تواند هر چیزی همچون وحدت در زمان، مکان، دین و آئین باشد. به عنوان مثال قرآن کریم به مجموعه انبیاء الهی که وحدت در تبعیت و تبلیغ دین الهی داشته‌اند امت اطلاق نموده است هرچند که وحدت زمانی و مکانی نداشته‌اند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۸۴-۹۱).

به اعتقاد علامه طباطبایی (ره) نیز «امت به معنی گروه انسان‌ها است و گاهی به مناسبتی بر یک نفر هم اطلاق می‌شود. اصل این کلمه از «ام» به معنای قصد است و لذا به هر گروهی از مردمان گفته نمی‌شود بلکه به جمعیتی گفته می‌شود که دارای مقصد واحد بوده و به واسطه آن با یکدیگر مربوط و متحد شده باشند و به همین مناسبت بر فرد یک انسان و سایر معانی اطلاق می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۷۲-۱۷۳).

موضوع و محتوای امت، مفاهیم ناس، عامه و مردم هستند؛ مردمی که ایمان واحد به یک هدف واحد دارند و بین آن‌ها وحدت معنوی برقرار است. مؤلفه محوری و اصلی در اصطلاح امت، وحدت مذهبی و دین است. امت جامعه‌ای است که در آن افرادی که دارای ایمان هدف، ایدئولوژی و تعهد و انگیزه می‌باشند با یکدیگر اعلام اتحاد می‌نمایند به این نیت که در راه تأمین اهداف مقدس مشترک خود کوشش و جهاد نمایند. اسلام با تأسیس این مفهوم یک نوع تعهد و مسئولیت

انگاره امت در  
اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)  
(۱۱۷ تا ۱۴۱)

که به دنبال خود نهضت و انقلاب را برای تأمین هدف مشترک در بردارد به وجود آورده است (بیگدلی، ۱۳۷۴: ۷۵-۷۷).

این کلمه در طول تاریخ اسلام تغییراتی به خود دیده است. عده‌ای از متفکران سیاسی معاصر بیان می‌دارند که در آغاز پیدایی اسلام این اصطلاح صرفاً به معنای جماعت پذیرنده رسالت پیامبر اکرم (ص) بکار می‌رفت. اما پس از هجرت رسول گرامی اسلام به مدینه، و بستن پیمان با قبایل گوناگون، واژه امت مصداق وسیع‌تری پیدا نمود و به هم‌پیمانان غیرمسلم مسلمانان از جمله یهودیان بنی عوف نیز اطلاق گردید. پس از پیمان‌شکنی یهودیان و تبدیل مسلمانان از اقلیت به اکثریت به‌مرورزمان، این واژه به معنای دیرین خویش یعنی جامعه پیروان هر یک از ادیان بازگشت. با توجه به این ملاحظات، می‌توان نتیجه گرفت که این تغییرات حاکی از این است که از نظر اسلام، تنها مبنا و مرجع معتبر برای تقسیم اجتماعات بشری و تمییز آن‌ها از یکدیگر دین است و به شمار ادیانی که تا زمان اسلام بر مردم نازل شده است در جهان امت وجود دارد (عزتی، بی‌تا: ۱۸۰).

علامه طباطبایی نیز به مناسبت آیه ۱۲۸ سوره مبارکه بقره، بحثی در خصوص معنای امت در قرآن و بدیع بودن آن مطرح کرده‌اند. ایشان با استناد به حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۶۰-۶۱)، «امه مسلمه» در این آیه را بر پیامبر خاتم (ص) و ائمه‌ی معصوم (ع) صادق دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۴۶). علامه برای دفع دخل مقدر نسبت به اینکه چرا امت را، برخلاف خطاب‌های عام قرآنی و بدون قرینه بر چنین معنای مضیقی حمل کرده، می‌نویسد که اطلاق کلمه‌ی «امت» محمد (ص) در مورد عموم مردمی که به دعوت آن جناب ایمان آورده‌اند، اطلاقی است نوظهور و مستحدث، به این معنا که بعد از نازل شدن قرآن و انتشار دعوت اسلام این استعمال شایع شد به‌طوری‌که از هرکس پرسیده می‌شد «از امت چه کسی هست؟» می‌گفت: «از امت محمد (ص)» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۴۷).

#### ملت

در باب خاستگاه اندیشه دولت-ملت باید گفت که در غرب نیز مدتی عنصر دین در هویت‌بخشی به جامعه نقش ایفا می‌نمود به‌طوری‌که برخی آن را جامعه امتی گفته‌اند که کم‌کم به دلایلی مؤلفه‌های دینی کنار زده شد و عناصر ملی و غیر



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

وحیانی جای آن را گرفت. برخی معتقدند که «جامعه قرون وسطی که تحت لوای کلیسای کاتولیک از یک وحدت مذهبی برخوردار بوده به شیوه امتی اداره می‌شد؛ بدین معنی که هیچ تعلق خاطری جز به دین موجب اتحاد و پیوستگی آحاد جامعه نمی‌شود» (نقیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۸). اما تحول و تطور تاریخی مغرب زمین بر اثر تکوین بورژوازی و شکافته شدن فدرالیسم و انقلاب صنعتی سبب شد تا پدیده دولت - ملت شکل بگیرد که سمبل حقوقی این قرارداد وستفاليا گردید (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۹). نتیجه چنین فرایندی منجر به تحول از وحدت مذهبی غرب به وحدت ملی شده که امروزه جوامع مدرن غربی بر این مبنا استوار است.

این تصور فکری به اندیشه دولت - ملت که در دوره زمانی استعمار (قرون هیجدهم تا نیمه دوم قرن بیستم) توانست تقریباً بر کل سطح کره زمین مسلط شود؛ به گونه‌ای صورت‌بندی گردید که به یکی از اصول مقبول و اجماعی در عرصه بین‌الملل تبدیل شد و بر آن آثار حقوقی خاصی مترتب گشت.

محققان در تعریف ملت، مناقشات فراوانی را صورت داده‌اند. اما به‌طور کلی می‌توان این مناقشات را به دو نحله فرانسوی و آلمانی از ملت تقسیم نمود. سنت فکری فرانسوی بر اثر انقلاب فرانسه و سنت قرارداد اجتماعی روسو، وحدت و زندگی در سازمان سیاسی را ویژگی و عنصر اصلی تشکیل ملت می‌داند. به بیان دیگر، رشد و تکامل ملت نیازمند تکوین دولت است و مفهوم دولت و سازمان سیاسی منطقاً و از نظر تاریخی بر مفهوم ملت تقدم دارد (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۶۱-۱۶۳ و مصباح‌یزدی، ۱۳۷۲: ۹۱).

در مقابل این نحله، نحله آلمانی قرار داشته که به برداشتی فرهنگی و زبان‌شناختی از ملت علاقه‌مند است. از این دیدگاه عوامل فرهنگی و زبان عامل اصلی تشکیل‌دهنده ملت می‌باشد نه وجود دولت‌ها. ویژگی اصلی هویت ملی، زبان است که دربرگیرنده سنت‌ها، آداب و رسوم، نمادها، افسانه‌ها و تاریخ و فرهنگ و تجربه‌های مشترک هر قوم است. بنابراین، احتمال دارد در درون یک سازمان سیاسی چندین ملت وجود داشته باشد (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۵۸-۱۶۱).

به هر حال، ما در این نوشتار ملت را مجموعه‌ای از انسان‌های تحت حاکمیت یک دولت و تابع قوانین اطلاق کرده‌ایم.

انگاره امت در  
اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)  
(۱۱۷ تا ۱۴۱)

## ویژگی‌های امت و امت اسلامی

از دیدگاه قرآن امت یک امر عینی خارجی نیست که مستقل از ذهن ما تعیین و تشخیص یافته باشد؛ بلکه امت بر اساس وحدت اعتباری انسان‌ها تحقق می‌یابد (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۴۴۵-۴۴۶). بر این اساس، ویژگی‌های خاصی دارد که در ذیل به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

از جمله ویژگی‌های امت و امت اسلامی عبارت است از:

- قرآن کریم به هر امتی عمل و سلوک خاصی را نسبت می‌دهد: «وَمَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ: از آفریدگان ما گروهی هستند که به حق راه می‌نمایند و به عدالت رفتار می‌کنند» (اعراف/۱۸۱).
- هر امتی برای خویش همان امت مزین و آراسته است: «...وَكذلكَ زِينًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ...: این چنین عمل هر قومی را در چشمشان آراسته‌ایم» (انعام/۱۰۸).
- هر امتی دارای حیات و ممات است: «و لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ: هر امتی را مدت عمری است چون اجلشان فراز آید یک ساعت پیش و پس نشود» (اعراف/۳۴).
- خداوند امت اسلامی را امت وسط خطاب می‌کند و برای چنین جامعه‌ای نیز سیره عملی و نظری رسول خدا را به‌عنوان الگوی میانه‌روی و اعتدال در همه زمینه‌ها معرفی می‌نماید. از نظر قرآن کریم همین امر، ملاک برتری امت اسلامی بر دیگر امت‌ها گشته است: «و كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ...: این چنین شما را امت وسط قرار دادیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر نیز بر شما گواه باشد» (بقره/۱۴۳).
- علامه طباطبایی در این باره بیان می‌دارند که خداوند برای امت اسلامی آئینی تشریح کرده است که آن‌ها را به اعتدال دعوت می‌کند و هر دو جنبه روح و جسم را مطابق اقتضاء خود به سوی کمال رهبری می‌نماید. بنابراین امت اسلامی یک نمونه از حد وسط کامل است که می‌تواند مقیاس و سنجشی برای انحراف طرفین افراط و تفریط داشته باشد و شهید و شاهد بودن آن بر سایرین از همین جا نشأت می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۳۵).
- ویژگی اصلی و اصل مهم دیگر امت اسلامی که به نوعی مفهوم مکمل این اصطلاح است مفهوم برادری و اخوت می‌باشد و قرآن کریم شالوده و پایه



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴



جامعه ایده‌آل خود را بر اساس اخوت اسلامی بنا نموده است. این امر بیانگر آن است که امت اسلامی بر پایه حاکمیت الهی و وحدت بشری استوار است.

از نکات مزبور، به‌خوبی اختلافات ملت و امت آشکار گردید. درحالی‌که ملت با ویژگی‌های چون فرهنگ، زبان، تاریخ و نژاد/قومیت مشترک تعریف می‌شود، امت بر وحدت عقیده تأکید دارد و دیگر مبانی تقسیم‌بندی جوامع را «جاهلی» می‌داند (قادری، ۱۳۸۳: ۷۷).

این مسئله به‌قدری حائز اهمیت بود که در نگاه اهل سنت وجود دو خلیفه و یا امام در قلمرو اسلامی قابل قبول نبود و تنها برای توجیه حکومت امویان اندلس، شرط وجود دریا بین دو قلمرو را مطرح ساختند.

#### خاستگاه امت اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)

در بررسی جایگاه امت و ملت در اندیشه امام، می‌توان این دو مفهوم را در دو سطح فلسفه سیاسی و جامعه‌شناختی تحلیل کرد. در سطح تحلیل فلسفی، با نگاه ایدئالیستی به معرفی نوع مطلوب و آرمانی جامعه اسلامی می‌پردازد که جوامع موجود مسلمان باید به‌سوی تحقق آن نمونه آرمانی حرکت کنند و در آن صورت است که خود جمعی حقیقی را می‌یابند. در منظر امام این هویت جمعی مطلوب اسلامی، همان مفهوم امت است. از طرفی در سطح تحلیل جامعه‌شناسانه و مبتنی بر واقع‌گرایی، امام خمینی سایر هویت‌های جمعی مانند قومیت، ملت و غیره را به‌عنوان واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌پذیرد. تلاش امام حرکت جامعه مسلمانان از ابتداء بر این هویت‌های تفکیک‌کننده و متفرق به‌سوی هویت اصیل و مطلوب یعنی امت است. امام می‌کوشد علقه‌های غیرعقلانی مسلمانان به هویت‌های خود کاسته بزدايد و جوامع را از سطوح دانی به سطوح عالی و کمال هویت جمعی که همان هویت انسانی و دینی در قالب امت است حرکت دهد و از توقف در ماحل پائین جلوگیری کند. این ناشی از هنر نظری و سیاسی امام در جمع بین آرمان‌گرایی فلسفی و واقع‌گرایی جامعه‌شناسانه در بازشناسی و بازیابی هویت جامعه اسلامی تحت عنوان امت است (برزگر، ۱۳۷۹: ۱۴۰-۱۴۲). لذا امام ضمن پذیرش این مراتب هویت، به‌عنوان واقعیت‌های موجود، آن را مراتب کثیره یک حقیقت واحده می‌داند (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۵: ۱۶۶-۱۶۷). در صورتی‌که همه

انگاره امت در  
اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)  
(۱۱۷ تا ۱۴۱)

آن‌ها در مسیر مشترک، اهداف یکسانی را دنبال کنند نه تنها متناقض نیستند بلکه می‌توانند مفید هم باشند.

امام خمینی برای نیل به استراتژی آرمانی خویش بر مفاهیمی تأکید نموده‌اند که زمینه‌ساز شکل‌گیری و تحقق امت اسلامی می‌باشند. از عمده‌ترین موضوعاتی که خاستگاه امت اسلامی امام را به‌خوبی تبیین می‌کند به این موارد می‌توان اشاره نمود:

### هویت اسلامی

هویت از جمله ویژگی‌های انسانی است که مبنای روان‌شناختی داشته و در تعامل «خود» با «دیگری» شکل می‌گیرد. مفهوم هویت که در حقیقت پاسخی به سؤال چه کسی بودن و چگونه شناسایی شدن است؛ فرایند پاسخگویی آگاهانه هر فرد یا قوم یا ملت به پرسش‌هایی از خود است؛ خاستگاه اصلی‌اش کجاست، دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و چه نقشی در توسعه تمدن جهانی داشته و امروزه صاحب چه جایگاه سیاسی-اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی است و بالآخره ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی او تا چه حد در تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه موردبحث کارساز خواهد بود (هرمیداس باوند، ۱۳۷۷: ۲۰).

باوجود این‌که واژه «هویت» کمتر در سخنان و دست‌نوشته‌های امام خمینی (ره) به‌کاررفته است. اما واژگانی که به معنای هویت هستند، به‌طور گسترده‌ای در سخنان ایشان به‌کاررفته است. مفاهیمی همچون «ما» (در مقابل دیگری)، «خود»، «خودی»، «شرقی»، «ایرانی»، «اسلامی» (در مقابل غربی) و یا «ملت ایران» و «ایرانیان» (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۳۹).

حضرت امام خمینی (ره) در سه سطح فردی، ملی-اسلامی و دینی، پی‌جویی هویت را در صدر توجهات خویش قرار داده است. در سطح فردی، بندگی خدا و پرهیز از تسلیم به غیر خدا را به‌عنوان اساس هویت انسان معرفی کرده‌اند. در خصوص هویت ملی-اسلامی ایشان با معرفی اسلام واقعی در قالب اسلام ناب محمدی و تبیین ملزومات آن، تعلقات دینی ملت ایران را به چنین نگرشی از اسلام تقویت کرد و در سایه آن از یک‌سو پیوندهای قومی-منطقه‌ای، زبانی و در یک معنا هویت‌های دون ملی را منسجم سازد و از دیگر سو با تعریف ملیت و ایرانیت در ذیل مفهوم اسلام، هویت اسلامی ایرانی را بازخوانی کند و در سطح عالی‌تر ملل



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

مسلمان را حول محور هویت دینی اسلامی وحدت بخشید و در کانون توجهات جهان اسلام قرار دهد (منصورنژاد، ۱۳۸۵: ۱۱۶). از این نظر، ایشان هویت را یک پیش شرط اساسی برای حکومت اسلامی و امت اسلامی دانسته به طوری که بین هویت و امت رابطه‌ی دوسویه برقرار می‌نماید. به همین منظور ایشان در دهه ۱۳۲۰ با تألیف کتاب *کشف‌الاسرار* به دفاع از هویت دینی می‌پردازند و رهبری نهضتی را عهده‌دار می‌گردند که پاسخی برای حل بحران هویت جامعه ایرانی و مسلمانان جهان باشد. در این راستا ایشان می‌فرمایند: «من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت، پول و فریب را نگیرد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۹۱).

در بررسی سخنان امام درباره «خود» و «ما» -به‌عنوان دو رکن هویت ملی- می‌توان به شاخصه‌هایی که از نظر ایشان عناصر سازنده هویت ملی می‌باشند، اشاره کرد. ایشان در سخنان خود، بر اصطلاحاتی همچون «شخصیت ایرانی-اسلامی»، «انسان اسلامی»، «آدم اسلامی-شرقی»، «موجود شرقی-اسلامی»، «مغز شرقی»، «انسان خودمانی»، «انسان ایرانی-اسلامی» و «مغز اسلامی-انسانی» تأکید کرده‌اند و معتقدند که باید برای تحقق آن‌ها به‌عنوان «خود واقعی» کوشید. به نظر ایشان این «شخصیت ایرانی-اسلامی-شرقی-انسانی» گم شده است و به جای آن، «شخصیت غربی»، «انسان غربی»، «فکر غربی» و «مغز غربی» نشسته است (فوزی، ۱۳۷۹: ۷۴).

از نظر ایشان عنصر اصلی و کلیدی هویت، فرهنگ اصیل اسلامی است که فرهنگی سالم، انسانی و مستقل است: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به‌جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد، و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا

انگاره امت در  
اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)  
(۱۱۷ تا ۱۴۱)

یکی از آن‌ها امکان‌پذیر است. بی‌جهت و من‌باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیرسلطه است. اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً غربی‌ها و اخیراً امریکا و شوروی قرار گرفت» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۲۴۳). بنابراین با انحراف فرهنگ، هویت جامعه دچار آسیب جدی می‌شود و موجودیت خویش را از دست می‌دهد. ایشان دوری از اسلام و قرآن، خودباختگی، مصرفی‌شدن، گرایش به غرب و مهم‌تر از همه رخنه فرهنگ استعماری به‌عنوان ام‌الامراض را از نارسایی‌ها و معضلات عمده جهان اسلامی می‌داند که با پناه بردن به اسلام، وارد کردن قرآن در همه شئون زندگی، بازگشت به اسلام و اجرای احکام اسلامی و خودباوری و بیداری را حلال همه مشکلات و گرفتاری‌ها و عامل مجد و عظمت اسلامی می‌داند تا در پناه آن آرمان امت اسلامی تحقق‌یابد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۱۹۸).

از آنجاکه بحث از هویت ملی منوط به پذیرش ملت به‌عنوان مجموعه‌ای از افراد موجود در یک سرزمین معین و تحت حاکمیت سیاسی خاص است، باید بیان کرد که در اندیشه امام باوجود رسمیت‌بخشی به ملت به‌عنوان سطح تحلیل و واقعیت اجتماعی-سیاسی، ایشان از ملی‌گرایی به‌عنوان یک ایدئولوژی انتقاد می‌نماید و هویت دینی را مهم‌تر از هویت منبعث از ملیت دانسته و آن را در چارچوب اسلام بازتعریف و بازتولید می‌کند. در دیدگاه ایشان: «اسلامی بودن بیش از ایرانی بودن بین افراد ملت ایران روابط مستحکم برقرار کرده است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۵۰۸) «ما «ملیت» را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم ... ملت، ملت ایران است، برای ملت ایران هم، همه جور فداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسلام است؛ نه اینکه همه‌اش ملیت و همه‌اش گُبریت (۳)! ملیت، حدودش حدود اسلام است، و اسلام هم تأیید می‌کند او را، ممالک اسلامی را باید حفظ کرد، دفاع از ممالک اسلامی جزء واجبات است، لکن نه اینکه ما اسلامش را کنار بگذاریم و بنشینیم فریاد ملیت بزنیم و (پان‌ایران‌یسم)» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۱۲۳-۱۲۴).

این در حالی است که واژگان «ملت» و «ملت ایران» در آثار ایشان در موارد بسیاری ذکر شده است؛ و این امر نشان می‌دهد که ایشان ملت را به‌عنوان یک کل و یک واحد جمعی در نظام جدید بین‌الملل می‌پذیرند، اما پذیرش این واحدهای



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

جمعی به معنای پذیرش نوعی ایدئولوژی مبتنی بر آن‌ها یعنی قوم‌گرایی، نژادگرایی، منطقه‌گرایی و ملی‌گرایی نیست؛ بلکه تنها از آن به‌عنوان یک شناسنامه و عامل شناخت می‌توان یاد کرد. این نوع نگرش متأثر از تفکر قرآنی است که در آن از واحدهای جمعی به‌عنوان عامل شناسایی آن‌ها یاد می‌شود (فوزی، ۱۳۷۹: ۷۲). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ: ای مردم! بی‌تردید ما همه افراد نوع شما را از یک مرد وزن (آدم و حوا) آفریدیم و شما را قبیله‌ای بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر بشناسید مسلماً گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است» (حجرات/۱۳).

### وحدت اسلامی

امام خمینی به‌عنوان یکی از منادیان وحدت اسلامی، شکل‌گیری، پیروزی، بقا و تداوم امت اسلامی را در گرو تحقق آرمان وحدت اسلامی می‌دانستند. ایشان لازمه اساسی یک امت اسلامی را وحدت حقیقی دانسته (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۸) و وحدت حقیقی را در وحدت قلب‌ها می‌داند و با این بیان استراتژی وحدت خود را نه از طریق تجاوزطلبی و مرزشکنی و به‌هم‌زدن قوانین انسانی بلکه از طریق یک مبنای عقیدتی و فکری دنبال می‌کند.

بررسی آثار امام خمینی بیانگر این است که تأکید بر وحدت در آثار ایشان از یک مبنای نظری قوی ریشه می‌گیرد و این تأکید بر مکتب فلسفی عرفانی او که مبتنی بر وحدت حقیقی عالم خلق و امر و وحدت حقیقی موجود است استوار می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۱۴). در نگاه ایشان گرایش به وحدت حقیقی در جامعه انسانی از جلوه‌های اعتقاد به توحید است و نقطه مقابل آن یعنی تفرقه و تکثرگرایی از ویژگی‌های شرک و نفاق به حساب می‌آید. ایشان با استناد به آیه «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا» معتقد است که وحدت حقیقی، با دو ویژگی باهم بودن، اجتماع داشتن و اعتصام این جمع به راه حق تعریف می‌گردند و تجمع بدون تمسک به حبل‌اللهی وحدت نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۶۲).

حضرت امام خمینی (ره) همواره و در موارد متعدد، ریشه بسیاری از مشکلات مسلمین را عدم وجود «وحدت» میان آنان می‌داند. ایشان یکی از رموز موفقیت انقلاب اسلامی ایران را تحقق وحدت کلمه در میان اقشار مختلف جامعه عنوان

انگاره امت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) (۱۱۷ تا ۱۴۱)

نموده و سایر ممالک اسلامی را نیز به الگوگیری از انقلاب ایران (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۶۳) و حفظ وحدت در مقابل اغیار دعوت می‌نمایند: «مشکل عمده مسلمین همان دوری از اسلام و قرآن است؛ و اگر مسلمین به‌حسب امری که خدای تبارک و تعالی فرموده است «و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» اگر به همین امر ونهی عمل می‌کردند، تمام مشکلاتشان-مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌شان- رفع می‌شد؛ و هیچ قدرتی نمی‌توانست با آن مقابله کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۱۲۹). رهبر کبیر انقلاب، تفرقه و اختلاف جوامع اسلامی را در سه سطح اختلاف میان سران کشورهای اسلامی، اختلاف سران دولت‌ها با مردمشان و نیز اختلاف مسلمین با یکدیگر موردانتقاد قرار می‌دهند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۵۵ و موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۱۲۹ و موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۳۷۸) و تفرقه را عامل اساسی تضعیف آنان مقابل استعمارگران محسوب می‌دارند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۲۳۸). ایشان ناتوانی دولت‌های عرب جهت آزادی فلسطین از دست رژیم صهیونیستی را یکی از بارزترین نشانه‌ها و نتایج عدم وحدت مسلمین عنوان می‌کنند و تنها راه رهایی از این خاری و ذلت را وحدت تحت پرچم و کلمه توحید بیان می‌دارند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۵۴).

ایشان با بیداری و آگاهی کامل از وضعیت جوامع اسلامی، و نگاه به اوضاع اجتماعی حاکم بر آن‌ها «رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی را در اختلافات کلمه و عدم هماهنگی و رمز پیروزی را در وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۱۲۴) می‌داند و معتقد است دولت‌های استعمارگر خارجی با استفاده از ابزارهای داخلی خود همچون سران فاسد و مزدور کشورهای اسلامی و عناصر فرهنگی وابسته که از آن‌ها به «وعاظ السلاطین»، «آخوندهای درباری»، «جیره‌خوار» و «نفاق‌افکن» یاد می‌کند به تخریب وحدت و انسجام اسلامی ملت‌های مسلمان می‌پردازند و می‌فرماید: «طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال ازخدایی خیر آنان از جمله وعاظ السلاطین، که از سلاطین جور سیاه‌روی ترند و هرروز بر آن دامن می‌زنند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۳).

ایشان همواره بر تلاش دشمنان در ایجاد تفرقه دینی، مذهبی و فرقه‌ای در میان امت اسلامی تأکید می‌نمودند و ضمن پرهیز مسلمین از افتادن در این دام، راه



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

رهایی از سلطه استبداد و استکبار را «وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیدگان جهان» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۹۱) دانسته و تأکید می‌نمودند: «مستضعفین جهان، چه آن‌ها که زیر سلطه آمریکا و چه آن‌ها که زیر سلطه سایر قدرتمندان هستند اگر بیدار نشوند و دستشان را به هم ندهند و قیام نکنند، سلطه شیطانی رفع نخواهد شد و همه باید کوشش کنیم که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهبی که باشند تحقق پیدا کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۴۲۹).

ایشان با طرح ایده تشکیل «حزب جهانی مستضعفین» کوشیدند نوعی وحدت و انسجام درونی در میان مستضعفان جهان ایجاد نموده و نهادی مشترک برای بررسی و پیگیری اوضاع و احوال و رفع مشکلات آنان به وجود آورند و معتقد بودند در صورت شکل‌گیری این حزب، «تمام مشکلات مسلمین رفع می‌شود؛ هیچ قدرتی با این قدرت‌ها نمی‌تواند مقابله بکند...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۳۳۱). لذا تشکیل حزب جهانی مستضعفین، متشکل از کل انسان‌های مظلوم عالم، زمینه‌ساز اتحاد جهانی مستضعفان در مقابل مستکبران برای رسیدن به حقوق خویش می‌دانند. ایشان بر اساس آموزه‌های اصیل اسلامی، غایت نهایی جهان آفرینش را استقرار حکومت جهانی مستضعفان در پرتو حکومت عدل الهی موعود می‌دانند که تحقق آن مستلزم بیداری مستضعفان و الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان زمینه‌ساز حکومت عدل مهدوی است.

### ظلم‌ستیزی و حق‌گرایی

با نگاهی دقیق و عمیق به امت اسلامی در اندیشه امام خمینی می‌توان ادعا نمود که ظلم‌ستیزی در قالب مفهوم استکبارستیزی از کلیدی‌ترین بنیادهای فکری ایشان نشأت می‌گیرد. بنیاد فکری ظلم‌ستیزی ریشه در حق‌جویی و گرایش انسان به حقیقت دارد که امری فطری و مورد قبول سرشت پاک هر انسانی می‌باشد. امام خمینی با استناد به آیات ابتدایی سوره مبارکه الرحمن، ذاتی بودن گرایش انسان‌ها به مبارزه با ظلم را این‌چنین منقح می‌نمایند که: «انسان را، خدای تعالی از حقیقت رحمت خود آفریده و انسان صورت رحمت الهیه است... و از این جهت است که انسان ظالم و قسی‌القلب هم از ظلم و قساوت فطرتاً متنفر است... و از معدلت و رحمت و رأفت ذاتاً خوشش می‌آید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۲۴۰).

انگاره امت در  
اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)  
(۱۱۷ تا ۱۴۱)

با نگاه به سخنان و آثار امام، می‌توان مبارزه‌جویی و ظلم‌ستیزی ایشان را بازتابی از بینش عارفانه و حکیمانه ایشان از مبانی دینی و اسلامی تفسیر نمود که تمام انبیاء و رسل الهی در این راه گام برداشته‌اند و برای آن مبارزه نموده‌اند. از نگاه ایشان، هدف ارسال انبیاء الهی بسیار گسترده‌تر از کنار زدن مستکبرین و رساندن مردم به رفاه و آبادانی دنیای آنان می‌باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۵۳۰). ایشان با بهره‌گیری از آیات قرآن و سیره انبیاء الهی، کلام خویش را با دعوت از مردم و علماء به مبارزه تحت عنوان «قیام‌الله» آغاز نموده‌اند و «آن را تنها راه اصلاح دوجهان» عامل نیل به قرب الهی و مقام «قاب قوسین أو أدنی» می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۱). در همین راستاست که ایشان تحقق دیانت را جز در «اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و براءت نسبت به باطل» ممکن نمی‌دانند و معتقدند «خلوص عشق موحدین» جز در «ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین» میسر نخواهد شد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۱۵).

از این رو، ایشان مبارزه با ظلم حاکمان را در وهله اول بر عهده علمای جامعه اسلامی دانسته و معتقد بودند که «علمای اسلام موظفند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند؛ و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آن‌ها ستمگران غارتگر و حرام‌خوار در ناز و نعمت به سر ببرند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۳: ۳۷).

این مبارزه با ظلم در آراء و اندیشه امام خمینی چنان پررنگ جلوه می‌نماید به حدی که ایشان عدم توانایی در از میان بردن ظلم را موجب اسقاط تکلیف انسان ندانسته و بیان می‌کند که اگر توانایی مبارزه با ظلم وجود نداشته باشد، سکوت در برابر ظلم و تن دادن به آن نیز از حرمت برخوردار است. ایشان در این باره می‌فرماید: «شما که فعلاً قدرت ندارید جلو بدعت‌های حکام را بگیرید و این مفاسد را رفع کنید، اقلاً ساکت ننشینید، تو سر شما می‌زنند، داد و فریاد کنید، اعتراض کنید. انظلام نکنید. انظلام بدتر از ظلم است. اعتراض کنید؛ تکذیب کنید؛ فریاد بزنید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۳: ۱۱۴). چنین منطقی است که باعث می‌گردد ایشان در سخت‌ترین شرایط دوران اوج نهضت اسلامی، دست از مبارزه با استکبار جهانی آمریکا و رژیم صهیونیستی برنداشته و درحالی که برخی از انقلابیون معتقد بودند که در این شرایط نباید به‌گونه‌ای سخن راند و عمل نمود که سایر کشورها علی‌الخصوص ابرقدرت‌ها را مقابل نهضت قرار داد، رهبر انقلاب، با صراحت



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴



مخالفت جدی انقلاب ایران را با تمامی نظام‌های ظالم دنیا و حمایت خویش را از همه‌ی ملت‌های مستضعف و نهضت‌های آزادی‌خواه اعلام می‌نمودند (دهشیری، ۱۳۷۹: ۳۳۹) به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۴۳ با وجود اینکه تحت فشار رژیم پهلوی قرار داشتند می‌فرمودند: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است... برادری با جمیع فرق مسلمین در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان؛ مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمارطلب» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۳۶).

این سخنان نشان می‌دهد که اولاً استضعاف در اندیشه امام خمینی امری صرفاً مادی نیست که بتوان مستضعفان را معادل فقرا و اقشار آسیب‌پذیر جامعه دانست، ثانیاً این مفهوم صرفاً اختصاص به مسلمین نداشته و تمام افرادی را شامل می‌شود که به‌نوعی مورد ظلم قرار گرفته و از حقوق حقه خویش محروم مانده‌اند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۵۱). از این رو، امام ضمن احترام به رعایت حقوق تمامی انسان‌ها و عدم دخالت در امور داخلی کشورها طبق حقوق بین‌الملل، دفاع از حق و عدالت‌جویی و مردم‌ستمدیده و مظلوم جهان را به‌عنوان وظیفه دولت اسلامی قلمداد می‌نماید. در نگاه ایشان رسالت جمهوری اسلامی در دفاع از مظلوم و مبارزه با ظلم نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح جهان تعریف می‌شود و تصریح می‌دارند که: «ما طرفدار همه مظلومین عالم هستیم و ظلم‌ستیزی و دفاع از حق محدود به یک حیطه خاص جغرافیایی نمی‌شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۲).

حضرت امام در موارد متعدد با برشمردن مزایا و توانایی‌های گوناگون جهان اسلام - از ذخایر عظیم نفت گرفته تا ذخایر معنوی و الهی دین اسلام - یکی از عوامل مهم و مؤثر در عقب‌ماندگی و استثمار را وابستگی و دست‌نشانده بودن سران کشورهای ممالک اسلامی می‌دانند که زمینه را برای سلطه کشورهای مستکبر بر ممالک تحت سلطه هموار می‌کند. ایشان معتقد بودند که «آن چیزی که سر راه اسلام قراردادند، این حکومت‌های فاسدند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۸۷).

امام خمینی معتقد بودند اگر مستضعفان جهان بخواهند از چنگال استکبار رهایی یابند، راهی جز قیام علیه حکام فاسد و وابسته که عوامل و عناصر داخلی استکبار محسوب می‌شوند، ندارند لذا در این باره می‌فرمایند این ملت‌ها باید «دست روی دست نگذارند و نظاره‌گر صحنه شکست اسلام و غارت سرمایه‌ها و منابع و

انگاره امت در  
اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)  
(۱۱۷ تا ۱۴۱)

نوامیس مسلمین نباشند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰: ۳۲۰). ایشان با طرح این سؤال که «آیا وقت آن نرسیده است که ملت‌های اسلامی از جای خود برخیزند و سردمداران خود را در مقابل شرف اسلام خاضع کنند؟» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸: ۳۳۱) ملت‌های مسلمان را به قیام علیه حاکمان وابسته‌شان دعوت نموده و می‌فرمایند: «باید مسلمین در آستانه قرن پانزدهم هجری بپاخیزند و در زیر پرچم الهی-اسلامی از حقوق حقه خود دفاع کنند و دست ستمکاران خصوصاً ابرقدرت‌های شرق و غرب را قطع کنند و دیکتاتوری‌های مدعی دموکراسی و کمونیستی را به‌جای خودشان بنشانند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۸۹). در این صورت است که وعده تخلف‌ناپذیر الهی مبنی بر به حکومت رساندن محرومان و مستضعفان در جهان محقق شده و با تحقق حکومت اسلامی جهانی، دیگر هیچ تجاوزگری صورت نخواهد گرفت و هیچ دولتی به دیگری تعدی نخواهد کرد (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۷۸ و موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۳۷).

### فرهنگ انتظار

«انتظار» در لغت به معنای، چشم‌به‌راه بودن و به امید آمدن کسی به سر بردن است. در آموزه‌های شیعی، انتظار به‌عنوان یک عبادت، بلکه زیباترین و کامل‌ترین جلوه بندگی حق تعالی مطرح شده است؛ در حدیثی از امیرمؤمنان (ع) آمده است: «إنتظرو و لا تياسوا من روح الله؛ فإن أحب الأعمال إلى الله انتظار الفرج؛ منتظر باشید و از رحمت خداوند ناامید نگردید؛ زیرا محبوب‌ترین عمل نزد خداوند انتظار فرج است» (مجلسی، ۱۴۰۳.ه.ق، ج ۵۲: ۱۲۵). امام خمینی نیز با ژرفاندیشی تمام، احیای فرهنگ انتظار را یکی از ارکان مهم احیای هویت اسلامی و وسیله‌ای برای تحقق دوباره قدرت و شوکت گذشته مسلمانان در جهان می‌دانست و می‌فرمود: «ما همه انتظار فرج داریم و باید در انتظار خدمت بکنیم؛ انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان‌شاءالله تهیه بشود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۳۷۴). به نظر می‌رسد با این تفسیر، پیام احادیث یادشده بهتر و دقیق‌تر قابل دریافت است؛ زیرا حضرت امام- برخلاف بسیاری ذهنیت‌های رایج - معتقد بودند که انتظار تنها یک آرزو نیست، بلکه آرزو و امید همراه با عمل و تلاش است و به همین دلیل در روایات، از انتظار به‌عنوان بهترین عمل و محبوب‌ترین عبادت یادشده است، وگرنه



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

صرف آرزو داشتن، بدون عمل و تلاش هرگز نمی تواند بهترین عمل عبادی محسوب شود.

انتظار فرج جدای از نقش مهم آن در هویت بخشی به مسلمانان، خود می تواند به عنوان عامل مستقلى در پویایی و حرکت جامعه و تحقق امت اسلامی نقش داشته باشد. اهمیت فرهنگ انتظار در تحقق امت اسلامی زمانی آشکارتر می شود که بدانیم حکومت جمهوری اسلامی در ایران بر مبنای دیدگاه امام راجع به موضوع انتظار تشکیل شده است و این حکومت مقدمه ای برای حکومت جهانی امام عصر (عج) می باشد. انتظار در اندیشه امام از نوع نگاه اجتماعی خاص ایشان به دین و دیدگاه متعهدانه ای که نسبت به ادای تکلیف الهی و عمل به وظیفه داشتند برمی خیزد و ایشان انتظار را به معنی آمادگی فردی و اجتماعی برای برپایی دولت عدل منتظر تعبیر می نمایند و همه باید در این انتظار خدمت کنند. از نظر ایشان انتظار فرج «انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور انشاء الله تهیه بشود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۲۵۵).

رهبر کبیر انقلاب در مورد تشکیل حکومت یا تأسیس نظام مبتنی بر دین و احکام آن، از مهدویت و انتظار بهره می گیرد و با طراحی این پیش فرض ذهنی که آرمان توحید همه پیامبران به دست حضرت مهدی تحقق خواهد یافت، قرائتی جدید از دولت دینی و منتظر بیان می دارد: «در برخی روایات هست که یکی از اعمال مستحب این است که مؤمنین در حال انتظار اسلحه هم داشته باشند، نه اینکه اسلحه را تهیه کنند و بگذارند کنار و بنشینند. باید اسلحه داشته باشند برای اینکه با ظلم مقابله کنند، با جور مقابله کنند. تکلیف است نهی از منکر است بر همه ما تکلیف است. باید مقابله کنیم با این دستگاه های ظالم خصوصاً دستگاه هایی که با اساس مخالفند.» (صادقی آزرگانی، ۱۳۸۶: ۲۵۳). لذا وظیفه پیشگیری از ستم پیشگی حاکمان خودکامه را تکلیف عالمان دین شناس و منتظران حقیقی او می داند که زمینه را برای ظهور حضرتشان مهیا می کنند: «ما باید فراهم کنیم کار را... مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت -سلام الله علیه- در هر صورت» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۷).

به همین خاطر ایشان از نظام جمهوری اسلامی تعبیر به «امانت الهی» که باید به «صاحب امانت» یعنی حضرت ولی عصر برسد، یاد می کردند تا مبادا مسائل دنیوی

انگاره امت در  
اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)  
(۱۱۷ تا ۱۴۱)

ما را از وظیفه اصلی خویش بازدارد و از چرایی و فلسفه تشکیل جمهوری اسلامی غافل شویم. «مسئولان باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجت است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده‌دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید و این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۱۰۸).

### رابطه امت و ملت در دیدگاه امام خمینی

با گذر بر ادبیات وژگانی مستعمل از سوی امام خمینی (ره) می‌توان چنین نتیجه گرفت که اصطلاح امت مقوله‌ای کلیدی و محوری در اندیشه سیاسی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران است؛ به‌گونه‌ای که اگر از حیث تواتر کلمات کلیدی در آثار و گفتار امام خمینی (ره) قضاوت کنیم، مفهوم ملت را مفهومی حاشیه‌ای و در ارتباط با مفهوم امت می‌یابیم. در اندیشه ایشان، مراد از اصطلاح "ملت" که همراه با قید اسلامی بیان می‌شد، همان امت اسلامی است که امهات اندیشه سیاسی و آرمان اجتماعی ایشان را نمایان می‌سازد. در همین خصوص ایشان در سخنانی می‌فرمایند: «آن‌هایی که می‌گویند ما ملیت را می‌خواهیم احیا بکنیم آن‌ها مقابل اسلام ایستاده‌اند. اسلام با ملیت مخالف است. معنی ملیت این است که ما ملت را می‌خواهیم و اسلام را نمی‌خواهیم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۲۴). بنابراین امت در اندیشه امام، مردم جوامعی هستند که دین اسلام را به‌عنوان آئین و دین سعادت‌بخش در قلمرو مادی و معنوی پذیرفته و فراتر از مرزهای ملی و محدودیت‌های جغرافیایی بدان می‌نگرند. با این بیان همه مسلمانان اعم از ساکنین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، در دایره امت قرار گرفته و نسبت به مفهوم ملت، از عمومیت برخوردار است.

از این رو، باوجود سخنان امام خمینی در طرد و نفی ملی‌گرایی، می‌توان چنین بیان نمود که ایشان در اکثر اظهارنظرهای خویش ملی‌گرایی به معنای حاکمیت ملت را نفی نکرده‌اند، بلکه قومیت‌گرایی و قبیله‌گرایی و آثار نامطلوب آن را که



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

موجب جدایی و افتراق امت اسلامی می‌شود را مورد نفی و طرد قرار داده‌اند (قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۷۶). ایشان در سخنانی بیان می‌نمایند که: «ما «ملت» را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم ... ملت، ملت ایران است، برای ملت ایران هم، همه جور فداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسلام است؛ ... ملت، حدودش حدود اسلام است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۱۲۳). لذا امام خمینی با وجود اعتقاد به آرمان حکومت جهانی اسلام، اصل استقلال حکومت‌ها، ملت‌ها و واحدهای مستقل حکومتی را بنا به مقتضیات زمانه به رسمیت شناخته و بر حفظ آن‌ها تأکید دارند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۲۴۰). علاوه بر این پذیرش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی ایشان نیز می‌تواند مؤید دیگری در به رسمیت شناختن اصل دولت-کشور و پدیده ملت از سوی ایشان باشد (بابایی زارچ، ۱۳۸۳: ۱۶۸).

## نتیجه

بررسی منابع دینی از جمله قرآن کریم حکایت از آن دارد که امت در قرآن به معانی گوناگونی به کار رفته است و در برخی موارد بر کل جامعه‌ی بشری، گاه جامعه‌ی اسلامی و در برخی کاربردها به معنای آئین و روش نیز به کار رفته است. اما در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، امت دلالت بر جوامعی هدفمند هستند که دین اسلام را به عنوان آئین و دین سعادت بخش در قلمرو مادی و معنوی پذیرفته و فراتر از مرزهای ملی و محدودیت‌های جغرافیایی بدان می‌نگرند. با این بیان همه مسلمانان اعم از ساکنین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، در دایره امت قرار گرفته و نسبت به مفهوم ملت، از عمومیت برخوردار است. لذا امام ضمن پذیرش این مراتب هویت ملی، به عنوان واقعیت‌های موجود، آن را مراتب کثیره یک حقیقت واحد می‌داند. در صورتی که همه آن‌ها در مسیر مشترک، اهداف یکسانی را دنبال کنند نه تنها متناقض نیستند بلکه می‌توانند مفید هم باشند.

در این بررسی می‌توان امت و ملت را در دو سطح فلسفه سیاسی و جامعه‌شناختی تحلیل کرد. در سطح تحلیل فلسفی، با نگاه ایدئالیستی به معرفی نوع مطلوب و آرمانی جامعه اسلامی می‌پردازد که جوامع موجود مسلمان باید به سوی تحقق آن نمونه آرمانی حرکت کنند و در آن صورت است که خود جمعی حقیقی را می‌یابند. در منظر امام این هویت جمعی مطلوب اسلامی، همان مفهوم امت

انگاره امت در  
اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)  
(۱۱۷ تا ۱۴۱)

است. از طرفی در سطح تحلیل جامعه‌شناسانه و مبتنی بر واقع‌گرایی، امام خمینی سایر هویت‌های جمعی مانند قومیت، ملت و غیره را به‌عنوان واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌پذیرد.

از این رو امام خمینی برای نیل به استراتژی آرمانی خویش بر مفاهیمی چون هویت اسلامی، وحدت اسلامی، ظلم‌ستیزی و حق‌گرایی و فرهنگ انتظار به‌عنوان زمینه‌سازان شکل‌گیری و تحقق امت اسلامی تأکید می‌نماید ضمن پذیرش ملی‌گرایی به معنای حاکمیت ملت، قومیت‌گرایی و قبیله‌گرایی و آثار نامطلوب آن را که موجب جدایی و افتراق امت اسلامی می‌شود را مورد نفی و طرد قرار می‌دهند.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

## کتابنامه

### قرآن کریم

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). مفهوم‌شناسی سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)، با همکاری جمعی از نویسندگان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- اوز کریملی، اوموت (۱۳۸۳). نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- بابایی زارچ، علی‌محمد (۱۳۸۳). امت و ملت در اندیشه امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۷۹). صراط، ضابطه هویت در اندیشه امام خمینی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). آموزش دانش سیاسی، چاپ دوم، تهران: موسسه نگاه معاصر.
- بیگدلی، علی (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از طالس تا مارکس، تهران: لادن.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۹). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صادقی آزرگانی، محمدامین (۱۳۸۶). سیمای حضرت مهدی در اندیشه امام خمینی، قسمت دوم مجله حضور، شماره ۱.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۶). تفسیر المیزان، ترجمه جمعی از دانشمندان، جلد اول-دوم-هفتم، چاپ ششم، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۹۱). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، چاپ دهم، قم: نوید اسلام.
- عزتی، ابوالفضل (بی‌تا). اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی، تهران: هدی.

انگاره امت در  
اندیشه سیاسی  
امام خمینی (ره)  
(۱۱۷ تا ۱۴۱)

- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ه.ق). کتاب التفسیر، تحقیق توسط سید هاشم رسولی محلاتی، جلد ۱، تهران: چاپخانه علمیه.
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۵). امام خمینی و هویت ملی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فوزی، یحیی (۱۳۷۹). امام خمینی و هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۹، صص ۶۳-۸۵.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۰). راهبرد ایجاد وحدت در جهان اسلام، فصلنامه حضور، شماره ۳۷، پائیز ۱۳۸۰.
- قادری، حاتم (۱۳۸۳). اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران: سمت.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹). دیالکتیک امت و ملت در آراء امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۳۸۹، ص ۱۳۵.
- قاضی‌زاده، کاظم با همکاری ضیایی‌فر، سعید (۱۳۷۷). اندیشه‌های فقهی سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- گارده، لویی (۱۳۵۲). اسلام دین راست، ترجمه رضا مشایخی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ه.ق). بحار الانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۲). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- منصور نژاد، محمد (۱۳۸۵). دین و هویت، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- موسوی‌خمینی، سید روح الله (امام) (۱۳۷۶). وحدت از دیدگاه امام خمینی، تبیان (دفتر پانزدهم)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی‌خمینی، سید روح الله (امام) (۱۳۷۸). جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی، تبیان (دفتر نوزدهم)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی‌خمینی، سید روح الله (امام) (۱۳۸۱). قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی، تبیان (دفتر سی و چهارم)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی‌خمینی، سید روح الله (امام) (۱۳۸۵). صحیفه امام، جلد ۱-۲۱، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).



**فصلنامه  
علمی  
تخصصی**

**سپهر سیاست**

سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴



- موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام) (۱۳۷۴). کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، چاپ سوم، تبیان، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام) (۱۳۷۷). شرح جنود عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (امام) (۱۳۸۳). ولایت فقیه و حکومت اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۷). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از وستفالی تا امروز، تهران: قومس.
- هرمیداس باوند، داوود (۱۳۷۷). چالش‌های برون‌مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ، اطلاعات سیاسی-تاریخی، سال دوازدهم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر ۱۳۷۷، صص ۲۰-۳۱.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹). سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.